

## لویی ماسینیون، ایران‌شناس نامدار فرانسوی

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران و مرکز پژوهشی زبان خارجی)

لویی ماسینیون<sup>۱</sup> (۲۵ ژوئیه ۱۸۸۳، نوژان سورماژن<sup>۲</sup> - ۳۱ اکتبر ۱۹۶۲، پوزدیک<sup>۳</sup>، کُت دارمُر<sup>۴</sup>) در محیطی مذهبی متولد شد و پرورش یافت. پدرش پیکرتراش و مادرش فلاندی و مؤمن و مقید به ادای فرایض دینی بود. وی تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه مونتینی<sup>۵</sup> پاریس آغاز کرد و به سال ۱۸۹۶ در دبیرستان لویی لوگران<sup>۶</sup> ادامه داد. در آنجا، از حسن اُتفاق، با هانری ماسپرو<sup>۷</sup>، فرزند گاستون ماسپرو<sup>۸</sup> مصرشناس معروف، آشنا شد و این آشنایی همچنین محیط تحصیلی در مدرسه‌ای که جوانان راغب به فراگیری زبان‌های زنده شرقی (عربی، ترکی، فارسی) را جلب می‌کرد در علاقه‌مند شدنش به آشنایی با جهان اسلام مؤثر افتاد.

در همین اوان، بحران دینی و سیاسی دوره جمهوری سوم فرانسه در روحیات او اثر منفی می‌گذارد و پدرش او را، برای رهایی از این تأثیر ناخوش، به سیاحت و سفر به اتریش و آلمان تشویق می‌کند و متعاقباً، به همراه خود، به ایتالیا می‌برد. بدین سان، ماسینیون دغدغه مذهبی خود را با سیر و سفر تسکین می‌دهد. او، در سال ۱۹۰۱، با خانواده

1) Louis Massignon

2) Nogent-sur-Marne

3) Pordic

4) Côtes-d'Armor

5) Lycée Montaigne

6) Louis-le-Grand

7) Henri Maspéro

8) Gaston Maspéro

نویسنده فرانسوی هلندی تبار، یوریس کارل اوئسمانس<sup>۹</sup>، از دوستان پدرش، آشنا می‌شود (سعید، ص ۳۸۳) و با او به مباحثات مذهبی می‌پردازد. اوئسمانس پروتستان بحرانی مذهبی از سرگذرانده و به مذهب کاتولیک گرویده و ناخواسته در مسلک شاعر و نمایشنامه‌نویس معروف فرانسوی، پُل کلودل<sup>۱۰</sup>، مروج آیین کاتولیکی در آمده بود. ماسینیون با شارل دوفوکو<sup>۱۱</sup> (همان‌جا) و آندره ژید<sup>۱۲</sup> (Gide, *Journal*, 1970, t. I, p. 1169; 1972, t. II, p. 1050) و، از این طریق، با آثار ارنست رنان<sup>۱۳</sup> و شرق‌شناسی مانوس می‌گردد (همان‌جا). این هر دو زمانی کشیش کاتولیک بودند و از کسوت کشیشی به در آمدند و ازدواج کردند. ماسینیون گویی پاسخ بحران دینی خود را در تقریب مذهب کاتولیک و دین اسلام یافت به طوری که پاپ پیوس یازدهم<sup>۱۴</sup> او را «کاتولیک مسلمان» خواند.

در حوالی سال ۱۹۰۱، ماسینیون به الجزایر سفر کرد و به تحقیق در اوضاع و احوال مستعمرات فرانسه در شمال افریقا گرایش یافت. وی دوره لیسانس در ادبیات فرانسه را به سال ۱۹۰۲، با پایان‌نامه‌ای دربارهٔ اونوره دورف<sup>۱۵</sup> (۱۵۶۷-۱۶۲۵)، نویسنده فرانسوی و مؤلف آستره<sup>۱۶</sup> (زمان شبانی در پنج جلد، ۱۶۰۷-۱۶۱۰) به پایان رساند (بدوی، ص ۳۸۰). استاد راهنمای او فردینان برونو<sup>۱۷</sup>، زبان‌شناس و مؤلف رساله‌ای دربارهٔ فرانسوا دومالرب<sup>۱۸</sup> (۱۵۵۵-۱۶۲۸)، شاعر و منتقد فرانسوی، بود. سبک نگارش ماسینیون از منبع او در ادبیات کلاسیک زبان فرانسه متأثر است. در همین سال، وی در صدد برمی‌آید، برای کسب دیپلم مطالعات عالی، موضوع «منظر جغرافیائی مراکش در پانزده سال اول قرن شانزدهم به توصیف لئوی افریقایی<sup>۱۹</sup>» را اختیار و برای تحقیقات میدانی

9) Joris-Karl Huysmans

10) Paul Claudel

11) Charles de Foucauld

12) André Gide

13) Ernest Renan

14) Pius (Pie) XI (1835-1914) (۱۹۱۴-۱۹۰۳) (دوران پاپی: ۱۹۰۳-۱۹۱۴)

15) Honoré d'Urfé

16) *Astrée*

17) Ferdinand Brunot

18) François de Malherbe

19) Tableau géographique du Maroc dans les quinze premières années du VI<sup>e</sup> siècle d'après Léon l'Africain

لئوی افریقایی، شهرت حسن بن محمد الوزان ملقب به یوحنا الأسد الغرناطی (حدود ۱۴۹۴- حدود ۱۵۵۲)، سیاح و جغرافیادان مور (ساکنان شمال افریقا) که، طی سفرهای خود، به دست راهنمان دریائی افتاد و به عنوان

به الجزیره سفر کند. این رساله به سال ۱۹۰۶ در الجزیره منتشر می‌شود که در مقاله «Leo Africanus» (EI<sup>1</sup>, t. III, pp. 22-23) به قلم خود او از آن یاد می‌شود.

ماسینیون، در حدود سال ۱۹۰۴، دروس زبان‌های عربی کلاسیک و عامیانه را به ترتیب با آرتویگ درنبرگ<sup>۲۰</sup> و اکتاوداس<sup>۲۱</sup> در مدرسه زبان‌های زنده شرقی<sup>۲۲</sup> پاریس آغاز کرد و، در سال ۱۹۰۶، به کسب دیپلم در آن دو رشته نایل شد. در قاهره، گاستون ماسپرو، رئیس پژوهشگاه باستان‌شناسی شرقی فرانسه<sup>۲۳</sup>، او را به عضویت موقت آن مؤسسه درآورد.

در این ایام، ماسینیون، بر اثر انتشار تصحیح انتقادی تذکره‌الاولیاء، اثر فریدالدین عطار نیشابوری به همت رینولد آین نیگلسون<sup>۲۴</sup> (جلد اول، ۱۹۰۵ با مقدمه علامه قزوینی؛ جلد دوم، ۱۹۰۷) و مطالعه احوال حلاج در این کتاب، شیفته این عارف و صوفی پاکباز می‌شود و، در ۲۴ مارس ۱۹۰۷، سرگذشت او را موضوع رساله دکتری خود اختیار می‌کند. در ۹ نوامبر ۱۹۰۷، لوسین بووا<sup>۲۵</sup> و آنتوان کاباتن<sup>۲۶</sup>، استادان مدرسه زبان‌های زنده شرقی، او را به عضویت پژوهشگاه باستان‌شناسی شرقی فرانسه انتخاب می‌کنند (JA. 1907, t. 10, p. 567). در این میان، موقعیتی دور از انتظار سبب می‌شود که ماسینیون وارد منطقه‌ای شود که حلاج در آن زیست کرده و پرورش یافته بود. ژنرال فرانسوی، لئون دوپلیه<sup>۲۷</sup>، در اوایل سال ۱۹۰۷، برای حفاری‌های باستان‌شناختی به بین‌النهرین سفر و از بغداد، تیسفون، بصره، و خرابه‌های بابل بازدید می‌کند. وی به ماسینیون مأموریت می‌دهد که در این منطقه به تحقیقات باستان‌شناسی بپردازد. ماسینیون، در اوایل سال ۱۹۰۸، به بغداد می‌رود و نزد خانواده اهل علم مشهور آلوسی به عنوان میهمان اقامت می‌کند

→ برده به پاپ لئوی دهم اهدا شد. پاپ، پس از اطلاع یافتن از جهانگردی او، وی را به دین مسیحی درآورد و نام خود را بروی نهاد. وی، به تشویق پاپ، توصیف افریقا را نوشت که اصل آن ظاهراً به زبان عربی بوده و در سال ۱۵۲۶، به قلم مؤلف، به زبان ایتالیایی نوشته شده و در سال ۱۵۵۰ به چاپ رسیده است. (← دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ج ۲، ذیل (لئوی افریقای)

20) Hartwig DERENBOURG

21) Octave HAUDAS

22) Ecole des langues orientales vivantes

23) Institut Français d' Archéologie Orientale du Caire (IFAO)

24) Reynold Alleyne NICHOLSON

25) Lucien BOUVAT

26) Antoine CABATON

27) Général Léon de BEYLIÉ

(بدوی، ص ۳۸۱). او، طی این مأموریت، مراقد امامان شیعه در کربلا و نجف و کوفه و سامرا و در مداین، دهکده سلمان پاک، مدفن صحابه بزرگوار سلمان فارسی و حذیفه بن یمان را زیارت همچنین از بقایای ایوان کسری بازدید می‌کند. حفاریات او در صحرای عراق به کشف کاخ اُخِیْضِر<sup>۲۸</sup> در بهار سال ۱۹۰۸ می‌انجامد (همان‌جا). در این مأموریت نسبتاً طولانی، ماسینیون به بازدید بنادر جنوب ایران نیز می‌پردازد (سحاب، ص ۲۵۱). اما دیدار او از بیضای فارس، موطن حلاج (عطار، ص ۶۱۰)، به سفر بعدی در سال ۱۹۳۰ موکول می‌گردد. تحقیقات ماسینیون درباره سلمان فارسی به قلم کلیمان هوآر معرفی می‌شود (فرهنگ خاورشناسان، ج ۱، ص ۴۵۲-۴۵۳) که، پس از درگذشت درینورگ، در بخش معارف دینی مدرسه آزاد مطالعات عالی<sup>۲۹</sup> جانشین او شده بود. ماسینیون نتایج تحقیقات خود در بین‌النهرین را در اثری با عنوان مأموریت بین‌النهرین (۱۹۰۷-۱۹۰۸)<sup>۳۰</sup> در دو مجلد (سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲) در قاهره به چاپ می‌رساند که هوآر آن را معرفی و نقد می‌کند. (J.A, 1914, t.3, p. 669 et suiv.)

در فوریه ۱۹۰۹، ماسینیون به دیدار فوکو، معتکف صحرای الجزایر، نایل می‌شود که مشغول تحقیق درباره قبایل صحرا به ویژه طوارق<sup>۳۱</sup> بود. از آن پس، آشنائی او با فوکو از طریق مکاتبه ادامه می‌یابد تا سال ۱۹۱۶ که فوکو به دست سنوسی‌های<sup>۳۲</sup> مخاصم فرانسه کشته می‌شود.

وی، از همین ایام، برای آشنایی با نسخه‌های خطی شرقی به استانبول و قاهره سفر می‌کند (بدوی، ص ۳۸۲)؛ در جلسات درسی دانشگاه الأزهر حضور می‌یابد و حتی لباس ازهری به تن می‌کند. از او تقاضا می‌شود در الأزهر درس بگوید؛ این دعوت را

۲۸) اُخِیْضِر، دژ بزرگی که ویرانه‌های آن در صحرای عراق، چهل کیلومتری کربلا، باقی است. آن را قصر تابستانی یکی از امیران حیره دانسته‌اند که پیش از اسلام به دست معماری ایرانی ساخته شد. (← دایرة‌المعارف فارسی، به سرپرستی مصاحب، ذیل اُخِیْضِر)

29) Ecole Pratique des hautes études

30) Mission en Mésopotamie (1907-1908)

۳۱) طوارق، چادرنشینان مسلمان صحرای افریقا که عمدتاً در مالی و نیجریه زیست می‌کنند و بسیاری از آداب و سنن پیش از اسلام و الفبای باستانی خود را حفظ کرده‌اند. (← همان، ذیل طوارق)

۳۲) سنوسیّه، فرقه‌ای از صوفیه مجاهد در افریقای شمالی منسوب به سیدی محمد بن علی سنوسی (۱۷۹۱-۱۸۵۹). (← همان، ذیل سنوسیّه)

می‌پذیرد و چهل جلسه درسی به زبان عربی در آن دانشگاه در تاریخ مکتب‌ها و اصطلاحات فلسفی اسلامی با عنوان «تاریخ اصطلاحات فلسفی» برگزار می‌کند. (همان‌جا) وی، در اکتبر ۱۹۱۱، از عضویت در پژوهشگاه باستان‌شناسی شرقی فرانسه در قاهره کناره می‌گیرد (همان‌جا) و، درگیر مسائلی وجدانی، در اواخر سال ۱۹۱۳ درخواست می‌کند از کسوت روحانی به درآمد تا با یکی از بستگان نزدیکش ازدواج کند. او، با شروع جنگ بین‌الملل در ژوئیه سال ۱۹۱۴، به ارتش فراخوانده می‌شود و، در مقام افسری، در سپاه شرق، به عنوان مترجم زبان عربی و بعضاً ترکی، به خدمت مشغول می‌گردد. در جریان انعقاد قراردادی که بر اثر توافق فرانسه و انگلستان بر سر تقسیم امپراتوری عثمانی امضا شد، فرانسوا ژرژ پیکو<sup>۳۳</sup> نماینده فرانسه و مارک ساینکس<sup>۳۴</sup> نماینده بریتانیای کبیر بود و ماسینیون و لورنس عربستان<sup>۳۵</sup> مترجم عربی نمایندگان دو دولت بودند. بر اثر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، توافق‌های پنهانی فرانسه و انگلیس فاش و عرصه موقتاً بر آن دو تنگ می‌گردد. (لوئسکی، ص ۳۷۹)

ماسینیون، در همین ایام، حلاج‌شناس بزرگی بود. وی، در سال ۱۹۱۴، مجموعه‌ای به چاپ می‌رساند با عنوان چهار متن عربی منتشر نشده درباره حلاج<sup>۳۶</sup> که هوآر، در مقاله‌ای، آن را بررسی می‌کند و یادآور می‌شود که دخویه نیز در نظر داشته مجموعه‌ای از متون مربوط به زندگینامه حلاج را فراهم آورد و، از سال‌ها پیش، مواد بسیاری گرد آورده و در صله تاریخ الطبری تألیف عربی بن سعد الکاتب القرطبی منتشر کرده بوده است (لیدن ۱۸۹۷) (J.A., 1916, t.6, p.175). ماسینیون، پیش از آن، در سال ۱۹۱۳، کتاب الطواسین منسوب به حلاج را، همراه ترجمه فارسی آن، با همکاری جمعی از اهل فن منجمله علامه قزوینی، به چاپ رسانده بود و این نشان می‌دهد که او پیش از آن با قزوینی آشنا شده بود چنان‌که قزوینی خود به آن اشاره کرده است (نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، ص ۱۰۲ و ۱۰۳). هوآر درباره این چاپ انتقادی این نکته را متذکر شده که «گروهی برجسته متشکل از آقایان

33) François Georges Picot

35) Lawrence d'Arabie

36) *Quatre textes (arabes) inédits relatifs à al-Hallâdj*

34) Mark Sykes

گولدتسیهر<sup>۳۷</sup>، مارتین هارتمان<sup>۳۸</sup>، نیکلسون، میگوئل آسین پالاسیوس<sup>۳۹</sup>، و میرزا محمدخان قزوینی کار تصحیحی درخور توجهی برای ماسینیون انجام داده‌اند» (J.A., 1914, t.3, p. 682). ماسینیون، پیش از سال ۱۹۱۳ نیز، مقاله‌هایی دربارهٔ حلاج منتشر کرده بود از جمله «مصائب حلاج و طریقهٔ حلاجیه<sup>۴۰</sup>» (۱۹۰۹)؛ «حلاج، شیخ مصلوب<sup>۴۱</sup>» (۱۹۱۱)؛ «اناالحق، بررسی تاریخی و انتقادی دربارهٔ آیین جزمی کلام عرفانی براساس منابع اسلامی<sup>۴۲</sup>» (۱۹۱۲) (Nawabi 1984, vol. VI, p. 392). تحقیقات ماسینیون دربارهٔ حلاج تا آخر عمر او ادامه می‌یابد.

در سال ۱۹۱۹، چند ماه پس از برگزاری کنفرانس صلح در پاریس، ماسینیون به جانشینی آلفرد لوشاتلیه<sup>۴۳</sup> در کرسی «جامعه‌شناسی و جامعه‌نگاری جهان اسلام» در کولژ دو فرانس<sup>۴۴</sup> برگزیده می‌شود. او، طی دروس، از مطالب مهمی دربارهٔ اوضاع معیشتی مزدوران، بردگان، زنگیان، موالی، و اصناف گوناگون گفت‌وگو می‌کند (بدوی، ص ۳۸۶) که متعاقباً دربارهٔ آنها مقاله‌هایی به چاپ می‌رساند.

پس از آنکه موقعیت فرانسه در شمال افریقا و سوریه و لبنان (شام) استحکام و ثبات می‌یابد، ماسینیون، در ژوئن ۱۹۲۲، طی مقاله‌ای، خواستار تعامل فرانسه با جهان اسلام می‌شود و از ضرورت بنای مسجدی در پاریس سخن به میان می‌آورد (Massignon p. 51922, ).

در این برهه، ماسینیون رسالهٔ دکتری خود، مصائب حلاج، عارف شهید اسلام<sup>۴۵</sup> (۱۹۲۲) را به همراه رسالهٔ تکمیلی جستار در خاستگاه‌های اصطلاحات عرفان اسلامی<sup>۴۶</sup> (۱۹۲۲) آمادهٔ دفاع ساخته و اکیداً خواستار شده بود ۲۴ مه ۱۹۲۲ برای این دفاع معین گردد که مصادف می‌شد با هزارهٔ به دار کشیده شدن حلاج.

37) Goldziher

38) Martin HARIMANN

39) Miguel Asin Palacios

40) «La Passion d'al-Hallâdj et l'ordre de Hallâdjyyeh», *Mélanges Hartwig Derenbourg*, 1909.41) «Hallâdj, cheikh crucifié», *Revue du monde musulman*, Mars-Avril 1911.42) «Ana al-Haqq, Etude historique et critique sur la formule dogmatique de théologie mystique d'après les sources islamiques», *Der Islam*, Bd. III, Heft. 3, 1912.

43) Alfred Le Châtelier

44) Collège de France

45) *La Passion d'al-Hallâj, martyr mystique de l'Islam*46) *Essai sur les origines du lexique technique de la mytique musulmane*

ماسینیون، در ۳۰ مه ۱۹۲۶، صاحب کرسی جامعه‌شناسی اسلامی<sup>۴۷</sup> در کولژ دو فرانس می‌شود. او دروس خود در این کرسی را به صورت کتاب و بیشتر مقاله در نشریات ادواری همچون مجله جهان اسلامی<sup>۴۸</sup> و مجله مطالعات اسلامی<sup>۴۹</sup> منتشر می‌کند و، در سال ۱۹۳۱، دیوان حلاج<sup>۵۰</sup> را با ترجمه به زبان فرانسه و حواشی به چاپ می‌رساند. وی، در سال ۱۹۳۳، به سمت مدیر تحقیقات در مدرسه آزاد مطالعات عالی منصوب می‌شود در حالی که، پیش از آن، تدریس او در سوربن آغاز شده بود.

عباس اقبال آشتیانی، که در سال ۴ ۱۳۰۵ (۱۹۲۵)، به سمت منشی هیئت نظامی ایران، به پاریس رفته بود (افشار، ص ۱۰۱)، از طریق قزوینی با ماسینیون آشنا می‌شود و، به راهنمایی ماسینیون، موضوع «خاندان نوبختی» را برای رساله دوره لیسانس خود در سوربن برمی‌گزیند. ماسینیون برای تهیه مقاله «نوبختی» دایرةالمعارف اسلام (E<sup>1</sup>, t. III, pp. 948-949) از کار اقبال استفاده و به چاپ خاندان نوبختی او (تهران ۱۳۱۱) اشاره می‌کند. ماسینیون و ولادیمیر مینورسکی<sup>۵۱</sup>، در جلسه ۲۰ آوریل ۱۹۲۸ انجمن آسیائی پاریس، اقبال را به اعضای آن معرفی می‌کنند و انجمن او را به عضویت می‌پذیرد. ماسینیون همراه با هانری ماسه<sup>۵۲</sup>، در جلسه ۱۶ نوامبر ۱۹۳۱ انجمن آسیائی، سعید نفیسی را برای عضویت در آن پیشنهاد می‌کند (J.A., 1932, t. 220, p. 171). آنان در جلسه ۸ فوریه ۱۹۳۵ نیز، از عضویت خسرو آراسته حمایت می‌کنند (Ibid, 1936, t. 228, p. 299). به این جمع، غلامحسین صدیقی را باید افزود که نامش به عنوان عضو انجمن آسیائی از سال ۱۹۳۳ آمده است (Ibid, 1933, t. 223, p. 375) و ماسینیون متعاقباً با او آشنائی نزدیک‌تری پیدا می‌کند. (ساجدی، ص ۲۷۰ و ۲۷۱)

در سال ۱۹۳۹، ماسینیون، همراه هیئتی به ریاست ژنرال ماکسیم ویگان<sup>۵۳</sup> که برای دیدار رضا شاه و تبریک ازدواج فرزندش با فوزیه اعزام شده بود، به ایران می‌آید (پورشالچی، ص ۸۴۱). هدف ماسینیون از این سفر بیشتر مطالعات ایران‌شناسی بود.

47) Sociologie musulmane

49) Revue des études islamiques

51) Vladimir MINORSKI

53) Maxime WEYGAND

48) Revue du monde musulman

50) Le Dîwân d'al-Hallâj

52) Henri MASSÉ

قرار بود، به کمک فرهنگستان فرانسه، برای تأسیس مرکز مطالعات ایران قدیم و جدید در دانشگاه سوربن اقداماتی صورت گیرد (همان‌جا). اما اجرای این طرح، در پی آغاز جنگ دوم جهانی، به تأخیر افتاد و، سرانجام، در سال ۱۹۴۷، پژوهشگاه مطالعات ایرانی<sup>۵۴</sup> در سوربن تأسیس و ریاست آن به ماسینیون سپرده شد (متی و کدی، ص ۱۳ و ۱۷). مقارن همین ایام، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران تأسیس شد و خبر از اقدامات مفیدی داد که هانری گُربِن<sup>۵۵</sup>، شاگرد برجسته ماسینیون، در نظر داشت در ایران انجام دهد. در واقع، ماسینیون و گُربِن الهام‌بخش مطالعات در حوزه عرفان و تصوّف در ایران شدند و در تاریخ مطالعات ایران‌شناسی جایگاه ممتازی کسب کردند.

در سال ۱۹۵۱، ماسینیون، با همکاری چند تن از ایران‌شناسان فرانسوی و ایرانی، روح ایران را تألیف کرد که مقاله معروف او، «ارزش و اهمیت بین‌المللی سهم متفکران ایرانی در قرون وسطی برای اعتلای تمدن اسلامی»، در آن درج شده است. او نفوذ معنوی و نقش تعیین‌کننده ایرانیان را در عصر عباسیان متذکر و سرنوشت خلافت یک روزه ابن معتر را یادآور می‌شود و می‌گوید: اگر ابن‌المعتر نتوانست بیش از یک روز در سال ۲۹۶ هجری در مسند خلافت باقی بماند، از این رو بود که از نهضتی ضد شیعی پشتیبانی می‌کرد و شیعیان بغداد، که غالباً ایرانی بودند، به زعامت خاندان نوبختی - که در حکومت نقش مهمی ایفا می‌کرد و تحریم اقتصادی آن خاندان، که مؤسسات مالی بزرگی در اختیار داشت و خلیفه را از پرداخت مواجب سربازانش عاجز ساخت - او را به ترک قدرت و ادار ساختند و او دو روز پس از آن به قتل رسید (روح ایران، ص ۱۰۱ و ۱۰۲). آثار پراکنده‌ای از ماسینیون، در مجموعه‌هایی چون کارنامک (وجیزه)ها<sup>۵۶</sup> و نوشته‌های به یاد ماندنی<sup>۵۷</sup> و وعده<sup>۵۸</sup>، به همت مریدش، منصور و نسان موئتی<sup>۵۹</sup>، فراهم آمد و به چاپ رسید.

ماسینیون در هفتاد سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت و در دهستان پورژدیک (در

54) Institut d'études iraniennes

55) Henry Corbin

56) *Opera minora*, 3 vols. Dar-el-Maaref, Beyruth 196357) *Ecrits mémorables* (Sous la direction de Christian Jambet), 2 vols., Paris 2009.58) *Parole donnée*, Julliard, Paris 1962.

59) Mansour-Vincent Monteil



گت دارمُر، شمال فرانسه) به خاک سپرده شد. انعکاس آن در دانشگاه تهران نسبتاً سریع بود. در مجلسی که به مناسبت وفات و در بزرگداشت او تشکیل شد، علی‌اکبر سیاسی، هانری گُربن، سعید نفیسی، و محمد معین خطابه‌هایی ایراد کردند (نیک‌بین، ج ۲، ص ۱۰۴۶).

در ایران، بازتاب تحقیقات و آثار ماسینیون ابتدا نزد علامه قزوینی، سید حسن تقی‌زاده، و عباس اقبال آشتیانی مشاهده شد. علی شریعتی اثری از او را با عنوان فارسی سلمان پاک و نخستین شکوفه‌های معنویت در اسلام ایرانی<sup>۶۰</sup> در سال ۱۳۴۳ به فارسی‌زبانان عرضه داشت و، در پی آن، با الهام گرفتن از او، آثاری از جمله درباره فاطمه زهرا علیها سلام پدید آورد. چند اثر دیگر او نیز در دهه‌های بعد به زبان فارسی درآمد از جمله با عنوان فارسی قوس زندگی منصور حلاج به قلم عبدالغفور روان فرهادی (۱۳۴۸)؛ مصائب حلاج: عارف شهید قرن چهارم هجری به قلم سید ضیاءالدین دهشیری (۱۳۶۲)؛ «دولت قرامطه» در کتاب اسماعیلیان در تاریخ به قلم یعقوب آژند (۱۳۶۳). با این وصف، هنوز جای ترجمه بسیاری دیگر از آثار او به خصوص اثر پرمایه سه جلدی مصائب حلاج خالی است.

## منابع

- افشار، ایرج، نادره کاران، به کوشش محمود نیکویه، قطره، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۴.  
بدوی، عبدالرحمان، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم ۱۳۷۵.  
پورشالچی، محمود، قزاق، عصر رضا شاه پهلوی، مروارید، تهران ۱۳۸۴.  
روح ایران، با همکاری هانری گُربن، یان ریپکا، لویی ماسینیون، با مقدمه داریوش شایگان، ترجمه محمود بهفروزی، نشر پندنامک، تهران ۱۳۸۱.  
ساجدی، طهمورث، تاریخ ایران‌شناسی در فرانسه (تحلیلی از دستاوردهای پژوهشی تا سال‌های اخیر)، سفیر اردهال، تهران ۱۳۸۹.  
سحاب، ابوالقاسم، فرهنگ خاورشناسان، سحاب‌کتاب، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۶.  
سعید، ادوارد، شرق‌شناسی، ترجمه لطفعلی خنجی، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۶.

عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، به تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، اساطیر، تهران ۱۳۷۹.

فرهنگ خاورشناسان، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران ۱۳۷۶.

لوتسکی، و.، تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بابائی، مرکز نشر سپهر، تهران ۱۳۴۹.

متی، رودی و نیکی کیدی (ویراستاران)، ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران ۱۳۷۲.

نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، سازمان انتشارات علمی، تهران ۱۳۵۳.

نیک‌بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور، ۲ جلد، نشر آرون، تهران ۱۳۷۹.

*Encyclopédie de l'Islam (EI<sup>I</sup>)*, 4 vols., Leiden 1927-1937.

*Grand Larousse encyclopédique*, Paris 1970.

MASSIGNON, Louis (1922), «La France et l'Islam», *Revue hebdomadaire*, 3 juin, N° 22, pp. 5-16.

NAWABI, Y.M. (1984), *Bibliography of Iran*, vol. VI, Cultural Studies and Research Institute, Tehran.

**Sitologie:** <http://fr.wikipedia.org/wiki/Louis-Massignon>.

